

آثار مهیار لرجمه

براز نامه و مجله اگر که در ستاد آمدند تکمیل. از من خود سه ماه در باره نقد سو بر مجموعه شعر «ماه در آینه» مانده نظام
نویسیم. تلاش و اقدام از زنده ساله بر روی دار زبان آثار ادبی، به شک در خورد ستایش است.

از آثار احمد سملو بر مانده که شاملان بر حقیقت دونل ایران معاصرند نوشته اند. لقد در مقام
خود مانده هم این را بنده مرد، در حالی که راه و روش شایسته و سبک نگارش و بهره خود را نیز حفظ کرده است.

سر زرا الا حق مورد کتفها، واقعاً از آثار نطق مانده نیست، زرا افزون بر آنچه گفته اند
نرم یا صلح سادگی آن با رضون نم آنگر صفت و رنگ ما سنگی ندارد. اما چرا نباید بگویم که گمانی است هر دو شاعر

از یک منبع فو لکلو یک ملن دستفاده کرده باشند! کدام یک از ما در کودکی عماداد را نسنده است!
نظیرین دوبار اگر فاکر نقد که بر ماه در آینه نوشته اند آنگه گون و نامفهوم است چون در کتاب

مورد کتف و مجموعه دیگر مانده آثار آن چنان بنده ام. هر گاه و نوشته اند این را به شکور آن آثار است که چاپ
میکند و بدست اقیاع مما سارد که آثار سالت هنر و نقد ملن و مردمی خود را انجام داده است یا نه.

با «در نظر گرفتن این» که گناه دیگر بر تو نخوانند نوشت، «من ایمان دارم که «هر کسی آن
درود عاقبت کار که گشت» و زمانی بهترین جا در است.

مهاد نام هر دو بنده آخر نوشتار، بجای «ماه در آینه» مانده «بایخ آینه» که از آن احمد سملو است
چاپ شده.

آثار مهیار غمزه، این است نظار من که خود سه ماه از منم سیدید، نامه را ماه
کتابه در اینجند.

نشان آثار انجمن را خود سه ماه. هم اکنون بایخ نامه اگر سه ماه پیش داده ما نویسم و ما گویم
تا که بگردد. اگر در این مدت عرض شده باشد طبعاً نامه من هم پیش تو خواهد رسید.

ضمناً فرارسیدن سال نو میلاد را که خیرت از زندگی ماسده، به شما و گویا نندمان همم " بر
س و با بگر ما گویم.

با سلام محترم
زانه

لندن ۱۱ دسامبر ۱۹۸۸

نصوح